

آلفرد هنتر (۱۸۵۹ - ۱۹۴۱)



• معصومه مسعودی

بحث‌های تئوری و نظری زیربنای هر علمی است. در سال‌های اخیر مباحث متعدد نظری و فلسفی در زمینه علم جغرافیا توسط اساتید و پژوهشگران بیش از گذشته دامنه یافته است و زمینه آشنایی دانشجویان و دست‌اندرکاران علم جغرافیا را با اندیشه‌ها و نظریات بزرگان این علم فراهم آورده است. مباحث نظری و فلسفی جغرافیا در غوغای افکار و ایده‌های گوناگون و با زبان پیچیده و استعاره‌گونه، نیاز به تشریح و استنباط به زبانی ساده و قابل فهم دارد. استاد فقید دکتر حسین شکویی از اساتید علم جغرافیا بود که آثار متعدد وی در زمینه فلسفه و ماهیت و چپستی جغرافیا، راهنمای مشتاقان این علم محسوب می‌شود.

جلد اول کتاب اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا نوشته آن استاد فقید، تا حد زیادی پاسخگوی سؤالات دانشجویان و پژوهشگران این علم در زمینه فلسفه و ماهیت جغرافیا است که معرفی آن برای دانشجویان و پژوهشگران راهگشا است.

این کتاب در هشت فصل تهیه و تنظیم شده است. در فصل اول با عنوان «فلسفه، پارادایم و جغرافیا» نویسنده ضمن ارائه تعاریفی از فلسفه، به تلاش فلسفه در درک جامع از موضوعات اشاره می‌کند. همچنین به اقتصاد سیاسی، میزان توانمندی محیط طبیعی و ساختار جامعه در تولید مکان و فضای جغرافیایی اشاره می‌کند. استاد شکویی ضمن بررسی مفاهیمی چون: پدیده‌های سطح زمین، پراکندگی پدیده‌ها، مفهوم مکان، مناسبات متقابل محیط و ساختار جامعه، رابطه علت و معلول، روابط فضایی، رابطه فرایند و فرم، بازساخت مکانی - فضایی پدیده‌ها، به دگرگونی دایمی افکار، اندیشه‌ها، ساختار جامعه و ایدئولوژی نظام‌های حکومتی از یک طرف و تغییرات محیط طبیعی از طرف دیگر اشاره کرده و بیان می‌کند که اصول‌گرایی در علم جغرافیا نمی‌تواند ثابت و ابدی باشد. از دیگر موضوعات این فصل، ارایه تعریفی از پارادایم، مراحل سیر تکوینی آن، پارادایم‌های جغرافیایی و مثالواره‌های جغرافیایی است. در این فصل همچنین از مناسبات میان جغرافیا و سایر رشته‌های علمی و تقابل علوم طبیعی و علوم اجتماعی در جغرافیا، نگرش سیستمی در جغرافیا و مقایسه آن با روش تحلیلی سخن می‌رود. در پایان این فصل نیز به تحول علم جغرافیا در سال ۱۹۶۶ اشاره

پتر کروپوتکین (۱۸۴۲ - ۱۹۲۱)



چارلز داروین (۱۸۰۹ - ۱۸۸۲)

معرفی کوتاهی از کتاب اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا جلد اول



دکتر حسین شکویی (۱۹۰۲ - ۱۹۹۴)

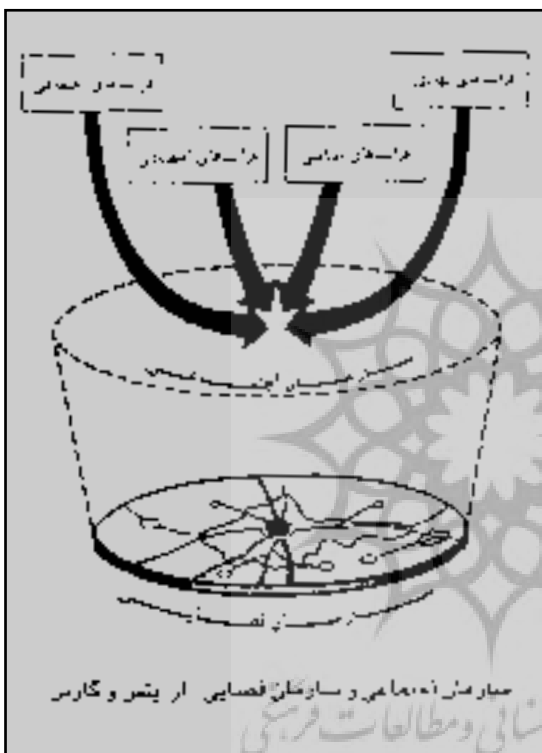


- اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، جلد اول
- نویسنده: دکتر حسین شکویی
- ناشر: سازمان جغرافیایی و کار توگرافی گیئاشناسی، چاپ اول، تابستان ۱۳۷۷، ۳۵۵ ص، ۱۲۰۰۰ ریال

جان کرتلند رایت



الیزه رکه (۱۹۰۵ - ۱۸۳۰)



شده که پس از آن، به تدریج جغرافیا از دیدگاه استثناء‌گرایی دور می‌شود و به سوی روش‌های استدلال قیاسی حرکت می‌کند. فصل دوم: «عوامل اجتماعی و تفکرات جغرافیایی». نویسندگان در این فصل ضمن مروری کوتاه بر تاریخچه تفکرات کیهان‌شناختی در یونان باستان و نگرش تفکر ارسطویی در قرون وسطا به جهان، نتایج عمده قیاس ارگانیکی دوره باستان تا قرن هجدهم را ناشی از ظهور مکتب بوم‌محوری و قوانین سیستمی زمان ما می‌دانند. در این فصل با صاحب‌نظران جغرافیا و نقش آنها در تفکر و انقلاب علمی جغرافیا آشنا شده و نگرش‌ها و نظام‌های نو در جغرافیا مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. از جمله بخش‌های ارزشمند این فصل، انجمن‌های جغرافیایی و مسیرهای استعماری آنها، ترکیب اعضای این انجمن‌ها و اهداف مشترک آنها است. نویسندگان در این قسمت نتیجه می‌گیرند که ترکیب غالباً نظامی اعضای انجمن سلطنتی انگلیس از طریق علوم جغرافیایی، در هموار کردن استعمار سرزمین‌های جهان نقش خود را ایفا می‌کردند.

موضوع جغرافیای آنارشیستی در تقابل با داروین‌یسم اجتماعی، از بخش‌های دیگر این فصل است، در این مورد آمده است: «در برابر بی‌رحمی و ظلم که از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بر بشریت تحمیل گشت، عده‌ای از جغرافیدانان، به انسانی ساختن جغرافیا پرداختند تا جغرافیا را که به صورت ابزاری در دست استعمارگران بود به خدمت بشریت درآورند و از طریق جغرافیا با منافع و سوداگری‌های استعماری و امپریالیستی به مبارزه بپردازند.»^۱ نویسندگان در پایان این فصل به امپراتوری جغرافیایی و نهادی شدن جغرافیا می‌پردازد. وی با اشاره به سپری شدن عمر امپراتوری جغرافیا و زدودن افکار داروین‌یسم اجتماعی و استعمارگرایی از امپراتوری جغرافیایی به نهادی شدن جغرافیا که نقش‌های متفاوتی برای آن قائل هستند، اشاره می‌کند.

فصل سوم با عنوان «مفاهیم نو در جغرافیای نو» از مهم‌ترین فصل‌های کتاب است. در این فصل با دیدگاهی نو در شناخت علم جغرافیا مواجه می‌شویم و در واقع مجموعه‌ای از آراء، عقاید و علم معرفت در تعلیم جغرافیایی ارائه می‌شود که ما را به سوی کثرت‌گرایی می‌کشاند. زیرا به اعتقاد دکتر شکویی

جغرافیا صحنه‌ای بازگشت‌ناپذیر است. در این عرصه ناچاریم با جغرافیای اثبات‌گرایی، انسان‌گرایی، ساختاری، فمینیستی، رادیکالیستی، لیبرالیستی، پست مدرنیستی و... برخورد کنیم و هر تفکری را که در پیشبرد جامعه‌مان مفید باشد بپذیریم. در این فصل مفهوم محیط و انواع آن، همچنین طبیعت و کارکرد آن مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. سپس ویژگی‌های محیط جغرافیایی در ۱۰ مورد بیان می‌شوند.

ایدئولوژی و دیدگاه‌های جغرافیا از جمله مباحث دیگر این فصل می‌باشد که این دیدگاه‌ها در مباحث تجربه‌گرایی - تفسیری - انتقادی به طور مفصل مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند. معرفی مشخصات جغرافیایی قانونمند (سیستماتیک) و روابط شاخه‌های مختلف جغرافیا با سایر رشته‌های علمی که در جغرافیای ناحیه‌ای مورد تأکید می‌باشد در کامل‌ترین شکل خود ارایه شده است. جغرافیای پست‌مدرنیستی و دیدگاه

فراساخت‌گرایی و نظریه روانکاوانه از مباحث دیگر این فصل است. این دوره که به جغرافیا، چشم‌انداز فلسفی نوینی بخشیده و تغییرات در حوزه‌های شهری، به ویژه در امر برنامه‌ریزی شهری و توسعه را موجب شده، در زمان ما با دگرگون‌سازی فرهنگی و اندیشه همراه بوده است.

فصل چهارم کتاب، تحلیلی بر تعاریف جغرافیا است. در ابتدای این فصل واژه چشم‌انداز مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد که از قرون وسطی در بعضی علوم وارد شده، در جغرافیا ابتدا به وسیله کارل ریتز، جغرافیدان آلمانی وارد ادبیات جغرافیایی شد. نویسنده ضمن تعریفی از این مفهوم، موارد مورد بحث در این مفهوم را به طور مفصل مورد بررسی قرار می‌دهد. ایشان همچنین به تعاریفی از جغرافیا تحت عنوان «مطالعه روابط بین انسان و طبیعت»، «مطالعه آرایش فضایی پدیده‌ها» و «جغرافیا به منزله علم کورولوژی (علم نواحی)»، به نقد دو تعریف از جغرافی دانان ایرانی می‌پردازد: اولی مربوط به دکتر محمدحسن پاپلی یزدی است که دیدگاه اکولوژیک دارد. دومی متعلق به خود استاد می‌باشد که چنین آمده است: «جغرافیا؛ پراکندگی، افتراق و بازساخت مکانی - فضایی پدیده‌ها را در ارتباط با ساختار اجتماعی - اقتصادی تبیین می‌کند».^۲

عنوان فصل پنجم «بازساخت جغرافیایی، مفهوم کلیدی در تحلیل‌های جغرافیایی» است. در این فصل شرح مسوطی از تعریف و قلمرو بازساخت ارائه می‌شود. این مفهوم از تمرکززدایی صنعتی تا تغییرات تکنولوژیک، ارتباطات اجتماعی - اقتصادی، رشد اقتصادی غیررسمی، بی‌کاری و یا اشتغال همه نیروی انسانی، روابط اقتصادی جهان اول و جهان سوم، تأثیر پذیری فرهنگ ملی از شرایط اقتصاد جهانی، توسعه یافتگی و عقب‌ماندگی نواحی و سایر موضوعات مربوط به فضای جغرافیایی را دربرمی‌گیرد. تأثیرگذاری این مفهوم با توجه به نظام‌های مختلف حکومتی، در همه کشورها به یکسان نخواهد بود.

عنوان فصل ششم «جبر محیطی، امپریالیسم و امکان‌گرایی» است. این مفهوم با تحلیل و نگرش مالتوسی و نگرش اگزستانسیالیسم شروع می‌شود. در این فصل به طور مبسوطی به نگرش مالتوسی که خداوند را علت اصلی و طبیعت و قوانین طبیعی را علت ثانوی می‌داند، پرداخته می‌شود. درواقع نگرش مالتوسی ترکیب جبرگرایی با الهیات می‌باشد. همچنین در این فصل، مکتب اگزستانسیالیسم که نقطه مقابل جبرگرایی است، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. شرح مبسوط این مکتب که به آزادی انسان در عملکردها و قوانین معتقد است، علاوه بر ارزش تحلیلی آن، شناخت واقع‌بینانه‌تری از صاحب‌نظران و متقدمان جغرافیا در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

در فصل هفتم، «مکان و فضا» که از مفاهیم اساسی در

شناخت جغرافیا می‌باشد، مورد توجه قرار می‌گیرد. خصیصه‌ها، ماهیت و هویت مکان و شکل‌گیری، پراکندگی، اسلوب و درون‌مایه فضا به طور مفصل و شایسته‌ترین شکل ممکن مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در پایان این فصل به مفهوم نظریه «پخش» و عوامل مؤثر در فرایند پخش اشاره می‌گردد.

آخرین فصل کتاب، «جغرافیای ناحیه‌ای نو» نام دارد که از مفاهیم اساسی جغرافیا محسوب می‌شود. مفهوم جغرافیای ناحیه‌ای از موضوعاتی است که حدود سی سال پیش برای اولین بار در مباحث جغرافیای ایران توسط استاد فقید دکتر شکویی وارد شد و از آن به بعد بسیاری از اندیشمندان و پژوهشگران جغرافیا تحقیقات خود را به مطالعات ناحیه‌ای به عنوان روشی جامع برای تحلیل جغرافیایی سوق دادند. استاد شکویی با بررسی خصوصیات جغرافیای ناحیه‌ای سنتی، سه مفهوم نو در جغرافیای ناحیه‌ای نو را مورد توجه قرار دادند. این سه مفهوم عبارت‌اند از:

الف) ناحیه به منزله واکنش محلی در برابر فرایندهای سرمایه‌داری

ب) ناحیه به منزله کانون هویت‌یابی

ج) ناحیه به منزله میانجی جهت کنش اجتماعی.^۳

بدینسان با توجه به این سه مفهوم نو از ناحیه، «داخل ناحیه، تأکید بر فرایندهای اجتماعی و روابط اجتماعی مدنظر است نه عمق‌نگری بر ماهیت طبیعی ناحیه. در پایان هر یک از فصول بخشی تحت عنوان نتیجه‌گیری و منابع مورد استفاده همان فصل ذکر شده است.

پی‌نوشت‌ها:

توضیح کتاب ماه: لازم به ذکر است این کتاب در شماره ۱۴ (آذرماه ۱۳۷۷) کتاب ماه تاریخ و جغرافیا توسط آقای مهدی چوبینه نیز معرفی شده است. بنا بر اهمیت موضوع و گذر زمان و ویژه‌نامه مربوط به بزرگداشت دکتر شکویی اکنون نیز به آن نگاهی شده است، همچنین جلد دوم کتاب اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی در شماره ۹۰-۹۱ (فروردین و اردیبهشت ۸۴) کتاب ماه تاریخ و جغرافیا توسط آقای محمدحسین بوچانی به طور مفصل معرفی و ارزیابی شده است که از معرفی مجدد آن در این ویژه‌نامه خودداری شده است.

۱. شکویی، حسین: اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، سازمان

جغرافیایی کارتوگرافی گیتاشناسی، چاپ اول، ج ۱، ص ۸۵.

۲. همان، ص ۲۰۱.

۳. همان، ص ۳۴۵.